

سبک فرزندپروری اسلامی و مقایسه آن با

سبک فرزندپروری در خانواده دیندار

محمدصادق آقاچانی کوپایی^۱

چکیده

هدف از این پژوهش، کشف مؤلفه‌های رفتاری سبک فرزندپروری اسلامی است. بدین منظور به روش توصیفی-تحلیلی به منابع دست اول با کمک نرم‌افزارهای معتبر به منابع اسلامی مراجعه شد و برخی از آموزه‌های اسلام در موضوع پژوهش تحلیل گردید. بررسی اجمالی منابع اسلامی نشان داد، برخی از فاکتورهای رفتاری در سبک فرزندپروری اسلامی، عبارت است از توقعات منطقی (تطابق توقعات با دنیای درونی کودک)، پاسخ‌دهی به نیازهای کودک، روش الگویی، تعافل. سپس ده نفر از شرکت‌کنندگان در طرح آموزش خانواده مساجد سطح کشور به صورت نمونه در دسترس، در مصاحبه باز، سازمان‌نیافته شرکت کردند که این مصاحبه‌ها نشان داد، مؤلفه‌های رفتاری والدین عبارت است از: عدم توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی کودک، عدم اختصاص وقت به کودک، بی‌رغبتی به والدگری، عدم استفاده از تعافل، شیوه پاسخ‌دهی به نیازهای کودک.

کلیدواژه: سبک، فرزندپروری، سبک فرزندپروری اسلامی، خانواده دیندار

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

۱. دانشجوی دکترای قرآن و روان‌شناسی جامعه‌المصطفی (علیه السلام) العالمیه.

مقدمه

فرزندپروری از جمله مباحثی است که توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده و پژوهش‌های بسیاری در این باره انجام شده است. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که هرگاه کودک در محیطی آرام و اطمینان‌بخش رشد کند، در حالی که از عطف و نوازش والدین و اطرافیان برخوردار باشد، در بزرگی دارای رشد کامل روانی و جسمی خواهد بود و فردی دارای شخصیت رشدیافته خواهد شد؛ در مقابل اگر طفلی در محیط ناآرام و خشن بزرگ شود و والدین با او شدت عمل به خرج دهند، روح و جسمش آزرده می‌شود نمی‌تواند ارتباط سازنده‌ای با والدین خود و به تبع آن با دنیای اطراف خود برقرار کند. (صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۲۶۷)

برخلاف دیدگاه اکثر والدین، مبتنی بر این که فقط والدین هستند که رفتارهای کودک را تنظیم و هدایت می‌کنند، روان‌شناسان تعامل والدین و کودکان را الگوهای تقابلی و به هم پیوسته رفتارها معرفی می‌کنند. طبق این دیدگاه، والدین از قدرت تام برخوردار نیستند و همان‌گونه که والدین بر رفتار کودک اثر می‌گذارند، کودکان نیز رفتار والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهند. روان‌شناسان کودک را موجودی که با اراده دیگران می‌توان بر آن نوشته‌ای حک کرد، مورد مطالعه قرار نمی‌دهند؛ بلکه کودک در جای خود، فردی منحصر به فرد است که از بدو تولد، زندگی اطرافیان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حال حاضر، دیگر این پرسش مطرح نیست که آیا کودک بر والد خود اثر می‌گذارد یا خیر؟ بلکه چگونگی و میزان آن مطرح است؛ بدین تربیت والد و کودک، به صورت هم‌زمان با هم تعامل دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. (مهدوی‌نیک، پایان نامه، ص ۲۲)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاپی ۱۳۹۵

سبک والدگری، یکی از سازه‌های جهانی است (دارلینگ «Darling, N»، ۱۹۹۳)، که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می‌آید (بامریند «Baumrind, D»، ۱۹۹۱). به اعتقاد دارلینگ و استنبرگ (۱۹۹۳)، سبک‌های والدگری منظومه‌ای از نگرش‌ها دربارهٔ کودک، نحوه برقراری ارتباط با کودک، روش نگه‌داری کودک و جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین است؛ بنابراین می‌توان گفت فرزندپروری دارای سه بعد اصلی نگرش‌ها، عواطف و رفتارهاست. با توجه به این که بررسی تمام این سه از دیدگاه منابع اسلامی از حوصلهٔ این مقاله خارج است، در این مجال کوتاه تنها به بررسی برخی از مؤلفه‌های رفتاری سبک فرزندپروری اسلامی می‌پردازیم و بررسی دو بعد دیگر را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم:

توقعات منطقی (تطابق توقعات با دنیای درونی کودک)

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد مطلوب کودک، کیفیت توقعاتی است که والدین از کودک خود دارند. توقعات والدین باید بر اساس توانایی‌های روان‌شناختی کودک، برای او قابل دسترس و منطقی و دارای انعطاف باشد. کیفیت توقعات والدین و روش‌های انضباطی آنان، تحت تاثیر خصوصیات شخصیتی و نگرش آنان دربارهٔ کودک است.

این که والدین از نوزاد خود انتظارات روشن و مطابق با توانایی‌های رشدی او داشته باشند، نقش مهمی در ایجاد رابطه‌ای ایمن بین کودک و والدین دارد. تناسب توقعات و خواسته‌های والدین با توانایی‌ها نوزاد، علاوه بر این که زمینهٔ همکاری کودک را فراهم می‌کند، احساس ایمنی را به او منتقل می‌کند. بر خلاف آن، اگر والدین از کودک خود توقعات بیش از حد توانایی او داشته باشند، احساس خشم، عدم لیاقت و ناامنی را به او منتقل می‌کنند. (یانسن، ۲۰۰۴م، ص ۲۱۵)

برخی از والدین، کودک را انسان بزرگ‌سالی در اندازهٔ کوچک می‌دانند که تفاوت چندانی با بزرگ‌سال ندارد. چنین والدینی بدون در نظر گرفتن نیازها و توانایی‌های کودک، تنها به توقعات خود فکر می‌کنند و او را تحت فشار قرار می‌دهند تا توقعات غیرمنطقی آنان را محقق کند. برای نمونه، ممکن است مادری قشوق به راه انداختن کودک

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

چندساله‌اش را ناشی از خردسالی و مقتضای سن او بدانند؛ در این حالت که مادر دنیای درونی کودک خود را درک می‌کند، درباره رفتار کودک واکنشی درست نشان می‌دهد و به احتمال زیاد، با کودک خود هم‌دردی می‌کند و می‌کوشد او را آرام کند؛ اما اگر مادر بدون در نظر گرفتن دنیای درونی کودک و ویژگی‌های روان‌شناختی او، گمان کند قشقرق کودک به دلیل خودمحوری یا کم‌عقلی اوست، احتمالاً به رفتارهایش واکنش منفی نشان می‌دهد و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد که او آرام کند.

در متون اسلامی، توجه به دنیای درونی کودک مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که ائمه دین به جای این‌که توقع داشته باشند کودک خود را با توقعات و خواسته‌های آنان تنظیم کند، سطح توقعات و رفتارهای خود را با دنیای درونی کودک تنظیم می‌کردند. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اقامه نماز عازم مسجد بود. در راه به کودکانی برخورد که بازی می‌کردند. کودکان همین‌که پیامبر را دیدند، به سویش دویدند، برگرد او حلقه زدند و هر یک از آن‌ها می‌گفت: «کُنْ جَمَلِي؛ شتر ما باش تا بر دوش تو سوار شویم». کودکان که قبلاً این‌گونه رفتارهایی را از پیامبر درباره حسن و حسین دیده بودند، انتظار داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن‌ها پاسخ مثبت دهد. حضرت درخواست کودکان را قبول کرد. اصحاب که برای اقامه نماز در مسجد، منتظر بودند، بلال را دنبال ایشان فرستادند. همین‌که بلال در راه با این جریان مواجه شد، زبان به اعتراض گشود. پیامبر فرمود: «برای من تنگ‌شدن وقت نماز بهتر از دل‌تنگ‌شدن این کودکان است. به منزل برو و چیزی برای کودکان بیاور». بلال به منزل پیامبر رفت و همه جای منزل را جست‌وجو کرد و هشت دانه گردو پیدا کرد. او گردوها را نزد پیامبر آورد. حضرت گردوها را در دست گرفت و خطاب به کودکان فرمود: «أَتَبِيعُونَ جَمَلَكُمْ بِهَذِهِ الْجُوزَاتِ؟؛ آیا شتر خود را به این گردوها می‌فروشید؟» کودکان به این معامله رضایت دادند و با خوشحالی پیامبر را رها کردند. حضرت عازم مسجد شد و فرمود: «خداوند برادرم یوسف را رحمت کند! او را به چند درهم فروختند و مرا نیز به هشت گردو (مهدوی‌نیک، پایان‌نامه، ۱۳۹۱، ص ۲۲).

علاوه بر این، توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی و توانایی‌های نوزاد، نکته‌ای است که در روایات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

وقتی نوزادی را برای دعا یا نام‌گذاری به حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌آوردند، حضرت برای احترام کسانش او را با آغوش باز می‌گرفت و در دامن خود می‌گذاشت. گاهی اتفاق می‌افتاد که طفل در دامن پیغمبر بول می‌کرد. کسانی که ناظر بودند، بر سر کودک فریاد می‌زدند و تندی می‌کردند، تا او را از ادرار بازدارند؛ اما نبی اکرم صلی الله علیه و آله آنان را منع می‌کرد و می‌فرمود که با تندی و خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید. سپس طفل را آزاد می‌گذاشت تا ادرار کند. موقعی که دعا یا نام‌گذاری تمام می‌شد، اولیای اطفال درنهایت مسرت کودک خود را می‌گرفتند و کمترین آزرده‌گی و ملامت خاطر در پیغمبر از ادرار کودک احساس نمی‌کردند. موقعی که کسان طفل می‌رفتند، پیغمبر لباس خود را تطهیر می‌کرد.

در این روایت پیامبر به دلیل این‌که رفتار همراهان کودک با ویژگی‌های کودک تطابق نداشته و از کودک توقعی داشتند که با سن او تناسب نداشت، آنان را از تندی با کودک منع می‌کند. در روایت دیگر، پیامبر ضمن این‌که چنین رفتاری را منع می‌کند، آن را موجب آزار و مکدر شدن خاطر کودک می‌داند. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۰).

این نوع تعامل، نه‌تنها در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام یافت می‌شود، بلکه در گفتار آن بزرگواران، نیز دیده می‌شود و در روایات متعدد به داشتن رفتار مناسب با کودک، از جمله هم‌بازی شدن با او توصیه شده است. برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛ کسی که کودکی نزد اوست، باید با او کودکی کند (مهدوی‌نیک، همان، ص ۵۴). امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نیز فرمود: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا؛ هر کس فرزندی دارد، با او کودکی کند. (همان، ص ۳۴).

پاسخ‌دهی به نیازهای کودک

وضعیت جسمی و روانی کودک در هر مرحله از زندگی، دارای موقعیت ویژه بوده و شیوه‌های برخورد با کودک در مراحل گوناگون تفاوت دارد. در برخوردهای تربیتی هدفمند، صحیح‌ترین شیوه برخورد با کودک متوقف بر شناخت و درک صحیح خواسته‌ها و نیازهای اوست. پاسخ‌دهی صحیح و به‌موقع، موجب ایجاد امنیت و آرامش در کودک می‌شود.

پی

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

«مزلو» بر این باور است که نیازهای ابتدایی و سطح پایین فرد، باید قبل از نیازهای سطح بالا برطرف شود. نیازهای فیزیولوژی و نیازهای ایمنی مانند امنیت جسمانی، ثبات، وابستگی، محافظت و رهایی از نیروهای تهدیدکننده‌ای مانند بیماری، ترس و اضطراب، در سلسله‌نیازهای مزلو، جزء نیازهای ابتدایی است و تا زمانی که این نیازها برطرف نشود، نیازهای سطح بالاتر مانند محبت، احترام و خودشکوفایی در زندگی فرد محقق نمی‌شود. (جست‌فیس، ۱۳۸۵، ص ۵۹۳).

براساس این دیدگاه، تا زمانی که نیازهای ابتدایی فرزند به‌صورت کامل برطرف و ارضا نشده است، نمی‌توان در فرآیند فرزندپروری موفق بود؛ بنابراین شناخت نیازهای جسمانی و عاطفی کودک و پاسخ‌دهی به‌اندازه و به‌موقع، برای کامل‌شدن فرآیند فرزندپروری ضروری است. بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که آیات و روایات بسیاری درباره برطرف‌کردن نیازهای جسمانی و روانی کودکان تأکید دارند؛ تا در پرتو برطرف‌شدن نیازهای کودک، احساس آرامش بر او سیطره پیدا کند. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

تغذیه

نوزاد از همان ابتدای زندگی، برای برطرف‌شدن نیازهایش به والدین خود نیازمند است. برطرف‌کردن نیازهای فیزیولوژیکی، مهم‌ترین امر در زندگی نوزاد است. نوزاد اولین تجارب خود را براساس ابراز نیاز و برطرف‌کردن آن می‌آموزد. هر چند به‌مرور زمان، کیفیت و کمیت نیازهای نوزاد تغییر می‌کند و با رشد او، تغییرات مهمی در نیازهایش ایجاد می‌شود؛ اما کودک همچنان نیازمند والدین است و نیازهای فیزیولوژی او باید به دست والدین برطرف شود. زمانی که نیازهای کودک از سوی والدین به‌اندازه کافی برطرف شود، کودک ارتباط عاطفی سازنده‌ای با والدین برقرار می‌کند و ایجاد این رابطه گرم، شرایط را برای فرزندپروری فراهم می‌کند.

امام صادق علیه السلام درباره این حقیقت می‌فرماید: «فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ يُؤَلَّدُ تَامَ الْعَقْلِ مُسْتَقِلًّا بِنَفْسِهِ لَدَهَبَ مَوْضِعَ حَلَاوَةِ تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ وَ مَا قَدَّرَ أَنْ يَكُونَ لِلْوَالِدَيْنِ فِي الْإِسْتِعَالِ بِالْوَلَدِ مِنَ الْمَصْلَحَةِ وَ مَا يُوجِبُ التَّرْبِيَةَ لِلآبَاءِ عَلَى الْأَبْنَاءِ مِنَ الْمُكَافَأَةِ بِالْبِرِّ وَ الْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عِنْدَ حَاجَتِهِمْ إِلَى ذَلِكَ مِنْهُمْ ثُمَّ كَانَ

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

الأَوْلَادُ لَا يَأْلِفُونَ آبَاءَهُمْ وَ لَا يَأْلِفُ الْإِبْنَاءُ أَبْنَاءَهُمْ لِأَنَّ الْأَوْلَادَ كَانُوا يَسْتَعْنُونَ عَنِ تَرْبِيَةِ الْإِبْنَاءِ وَ حِيَاطَتِهِمْ فَيَتَفَرَّقُونَ عَنْهُمْ حِينَ يُوَلَّدُونَ فَلَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ أَبَاهُ؛ (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۳، ص ۶۸). اگر کودک هنگام تولد عقل کاملی داشت و مستقل و خودکفا بود، شیرینی فرزندداری از میان می‌رفت و پدر و مادر به مصالحتی که در تربیت کودک نهفته است نمی‌رسیدند. در نتیجه، تربیت و سرپرستی و رحم و شفقت بر آنان هنگام پیری بر فرزند لازم نبود. اگر نوزاد بدون هیچ نیازی به دنیا می‌آمد، در میان فرزندان و والدین هیچ پیوند و الفتی حاکم نبود؛ زیرا نوزاد از تربیت و سرپرستی والدین بی‌نیاز بود و از زمان تولد از آنان جدا می‌شد.

بر این اساس باید گفت که کودک از همان ابتدای زندگی، نیازمند خلق شده است و برطرف‌شدن این نیاز، در الفت پیدا کردن کودک با والدین و پیوند عاطفی با آنان مؤثر است. زمانی که نیازهای نوزاد به صورت کامل و بهینه برطرف شد، نوزاد به صورت فطری به سمت منبعی که نیاز او را برطرف می‌کند، احساس محبت و میل می‌کند و به او دل بسته می‌شود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «جِبِلَّتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ يُفَعِّهَا وَ بُغْضِ مَنْ أَضَرَّ بِهَا؛ (کلینی، کافی، ج ۴، ص ۳۵۶). دل‌ها بر دوستی کسی که به آن نیکی و احسان می‌کند و دشمنی کسی که به آن بدی می‌کند، سرشته شده است.»

براساس آنچه گذشت، باید گفت که برطرف کردن نیازهای فیزیولوژیکی، نه تنها موجب آرامش و کاهش تنش در کودک می‌شود، موجب ایجاد ارتباط عاطفی و دل‌بستگی کودک به والدین می‌شود و فضای امنی را برای او در ارتباط با والدینش می‌سازد. بدیهی است در چنین شرایطی که ارتباط والدین با فرزند آسان شده است، والدین بهتر می‌توانند نقش فرزندپروری خود را ایفا کنند.

نوازش و بوسه

گاهی مشاهده می‌شود که تمام نیازهای جسمانی کودک برطرف شده و باز کودک گریه یا بهانه‌گیری می‌کند. این گریه کودک، به دلیل عدم ارضای نیاز نوازش است. نوازش یکی از غذاهای روانی کودک است و او باید به اندازه کافی در این زمینه ارضا شود. چنانچه این نیاز مورد توجه قرار نگیرد، کودک واکنش نشان می‌دهد. زمانی که کودک در آغوش مادر،

پیچ

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

نوازش می‌شود، بدون این که نیاز دیگر او مورد توجه قرار گرفته باشد، آرام می‌شود. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که صدای قلب مادر، برای نوزاد از هر آهنگ موزونی جذاب‌تر و دل‌نشین‌تر است و به همین دلیل، زمانی که کودک در اوج گریه است و در آغوش مادر قرار می‌گیرد، آرام می‌شود (فلسفی، ۱۳۷۳، ص ۲۴).

بر این اساس، اولین تجربه صمیمت جسمانی در دوران کودکی، درباره مراقب شکل می‌گیرد. کودک به صورت فطری از بغل شدن، بوسیدن و ارتباط با پوست مراقب خود لذت می‌برد. هر چه سن کودک کم باشد، اهمیت این رابطه در روند شکل‌گیری ارتباط عاطفی او با والدین اهمیت بیشتری دارد.

«هلمز» در فرآیند شکل‌گیری دل‌بستگی، به تجربه‌های بدنی و لمس کردن کودک تأکید دارد. وی معتقد است که رفتارهای گرم، در آغوش گرفتن رابطه نزدیکی ایجاد می‌کند که برای کودک و مادر مطلوب است (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱).

در روایات اسلامی نیز، بر این موضوع تأکید شده است؛ به گونه‌ای که یکی از رفتارهای پیامبر با فرزندان خود، نوازش معرفی شده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ مَسَّحَ عَلَي رُئُوسِ وُلْدِهِ وَ وُلْدِ وُلْدِهِ؛ (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹). پیامبر هر روز، صبح دست نوازش بر سر فرزندان و نوه‌های خود می‌کشید.» تکرار این رفتار از سوی پیامبر، حاکی است که این نیاز روانی نوزاد همیشه باید مورد توجه والدین قرار بگیرد و آنان با تمام وجود، باید سعی کنند این نیاز را برطرف کنند.

از سوی دیگر، بی‌شک یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودک پس از نیازهای زیستی، همچون آب، غذا و...، نیاز به محبت است؛ به گونه‌ای که اگر این نیاز برآورده شود، کودک تا حد بسیاری در برابر نیازهای زیستی مقاومت کرده، آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد. نیاز به محبت حتی در برخی حیوانات نیز مشاهده می‌شود؛ هر چند این نیاز در انسان شدیدتر و نیاز کودکان به آن افزون‌تر است. از آن‌جا که خانواده - به‌ویژه مادر - نخستین سرپرست کودک است، لازم است به این نیاز کودک توجه خاص داشته باشد و بداند پاسخ‌گویی صحیح به این نیاز، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا ارضای این نیاز، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمانی کودک می‌شود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸).

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
په‌ار ۱۳۹۵

بوسیدن فرزند نیز که حاکی از مهر و محبت به اوست، مورد تأکید اسلام است. والدین به‌ویژه مادر، از طریق بوسیدن می‌توانند پیام امنیت و مهر و محبت را به فرزند خود انتقال دهند. این رفتار به‌طور ویژه، در روایات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَوَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۹) هر کس فرزند خود را ببوسد، برای هر بوسه‌ای حسنه‌ای ثبت می‌شود و هر کس فرزندش را شاد کند، خداوند او را در قیامت شاد خواهد کرد.»

بازی

با رشد و نمو کودک، رفته‌رفته آمادگی‌های لازم برای بازی در او شکل می‌گیرد. بازی یک نیاز طبیعی برای کودک است و بدون آن رشد سالم نخواهد داشت. والدین از طریق بازی، می‌توانند به نیاز طبیعی کودک خود پاسخ داده و از طریق پاسخ‌دهی به نیاز او زمینه‌دل‌بستگی‌اش را فراهم کنند.

والدین برای تحقق دل‌بستگی و ارتباط عاطفی با فرزند خود، باید با شیوه‌هایی که کودکان می‌پسندند، رفتار کنند و به شیوه‌ای با فرزند خود تعامل داشته باشند که کودک با آنان احساس راحتی و دوستی داشته باشد. همچنین بازی موجب می‌شود، بسیاری از مشکلات روانی و عاطفی کودک حل شود و عقده‌هایی که کودکان همواره در زندگی بر اثر ناکامی‌ها به آن مبتلا می‌شوند، تخلیه شود؛ زیرا کودکان بر اثر موفقیت‌هایی که در بازی به دست می‌آورند، ناکامی‌های زندگی را فراموش می‌کنند یا به شیوه‌های گوناگون، نظیر داد و فریاد یا به‌گونه‌ای منطقی در بازی، عقده‌های خود را خالی می‌کنند. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸). در واقع بازی از طریق این کارکرد، موجب می‌شود کودک بهتر بتواند نقش خود را در فرآیند دل‌بستگی ایفا کند.

بازی در دستورهای پیشوایان دینی مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر ﷺ در این مورد می‌فرماید: «دَعْ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ، وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا؛ (حرعاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱۵، ص ۱۹۴) فرزندت را تا هفت سالگی رها کن تا بازی کند و پس از آن، او را تعلیم بده و تربیت کن.»

پیام

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

پیشوایان دینی در زندگی خود، به این نیاز طبیعی کودکان توجه کافی داشته‌اند. آنان علاوه بر این که کودکان را در بازی آزاد می‌گذاشتند، خود نیز در بازی آن‌ها شرکت کرده، از این طریق هم به بازی آنان رونق می‌دادند. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲).

انس چنین نقل می‌کند که پیامبر ﷺ برای ادای نماز به مسجد آمد؛ درحالی که حسن رضی الله عنه را در بغل داشت و او را کنار خود نشانند. وقتی آن حضرت به سجده رفت، سجده طول کشید. من سر از سجده برداشتم و مشاهده کردم که حسن رضی الله عنه بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله سوار شده است. وقتی نماز تمام شد، مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: «این سجده را به قدری طول دادی که هیچ‌گاه چنین نکرده بودی. آیا وحی نازل شده است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وحی نازل نشده؛ ولی فرزندم بر دوشم سوار شده بود؛ نخواستم عجله کنم تا او خود پایین آید. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۲، ص ۲۹۴).

روش الگویی

از میان شیوه‌های فرزندپروری، روش الگودهی یکی از روش‌های شاخص و برجسته است. الگوگیری تغییر به نسبت مداوم در رفتار که قسمت عمده‌اش، نتیجه مشاهده رفتار دیگری است. (شعاری‌نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، ص ۲۶۳).

یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی انسان، تقلید و الگوگیری است که از همان دوران طفولیت در او وجود دارد. الگوگیری نقش مهمی در یادگیری‌های انسان دارد. دوران طلایی کودکی، نقش بااهمیتی در زندگی دارد. کودک آنچه را می‌بیند و می‌شوند، الگوبرداری می‌کند و می‌کوشد آن را در زندگی خود پیاده کند. در این دوران، بهترین یادگیری کودک از طریق مشاهده و الگوبرداری خواهد بود. معمولاً نخستین الگوهای کودکان والدین هستند؛ الگوهایی که می‌توانند مثبت یا منفی باشند و با رفتارهای خود شخصیت کودک را شکل می‌دهند.

«بندورا» طی یک سری مطالعات کلاسیک، نشان داد که پرخاشگری کودکان، در اثر مشاهده رفتار کسی که در برابرشان پرخاشگرانه عمل می‌کند، افزایش می‌یابد؛ بنابراین بسیاری از حالات و رفتارهای مختلف کودکان نظیر خجالتی بودن، پرخاشگری بودن،

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

قهرمان بودن، همکاری کردن و بخشنده و خسیس بودن، ناشی از مشاهده رفتار دیگران است (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۹).

این روش به دلیل عینی، محسوس و کاربردی بودن، از نفوذ و اثرگذاری فراوانی برخوردار است. در فرآیند الگوگیری، فرزند رفتار را با تمام جزئیات آن، به‌صورت کامل و ملموس مشاهده می‌کند؛ به همین دلیل نه‌تنها به خود رفتار، بلکه به شرایط تحقق آن پی‌می‌برد. علاوه بر این، مشاهده رفتار والدین، امکان عملی شدن رفتار را به‌صورت عینی برای فرزند محقق می‌کند. همچنین مشاهده زیبایی‌های رفتارهای والدین، موجب ایجاد و تقویت گرایش و انگیزه اقدام به رفتارهای مثبت در فرزند می‌شود؛ علاوه بر این، روش الگویی در فرایند یادگیری، موجب سرعت‌بخشی روند یادگیری می‌شود (داوودی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۴۲).

هر چه نمونه ارائه‌شده از کمال بیشتر و جاذبه فراگیرتری بهره‌مند باشد، این روش از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱). در روش الگودهی برای ترغیب فرزند به انجام یا تداوم عمل و داراشدن صفتی پسندیده، تربیتی اتخاذ می‌گردد تا فرزند بتواند والدین را که در نظرش مهم و محبوب است، در حال انجام دادن آن عمل و رفتار ببیند یا نتیجه صفت و خصلت او را مشاهده کند. به دیگر سخن، والدین نمونه رفتار و کردار مطلوب و شایسته را عملاً در معرض دید فرزند قرار می‌دهند تا شرایط لازم برای تقلید و الگوبرداری فرزند فراهم آید (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۳).

تغافل

کودک به دلیل عدم تجربه کافی در زندگی، عدم مدیریت کامل بر رفتارهای خود، نداشتن شناخت کامل درباره برخی رفتارهای منفی و ضعف اراده، ممکن است در طول دوران رشد مرتکب رفتارهایی شود که مورد پسند والدین و جامعه نباشد؛ بنابراین چنانچه با مشاهده کوچک‌ترین خطا که از کودک سر می‌زند، به سرعت واکنش نشان دهیم و رفتار کودک را به‌صورت آشکار به او انعکاس دهیم، در فرآیند فرزندپروری با چالش جدی روبه‌رو می‌شویم و مجبور خواهیم شد، در برابر کوچک‌ترین خطای کودک واکنش نشان دهیم. بدیهی است واکنش‌های مکرر والدین، در برابر رفتارهای منفی کودک موجب

پی

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

می‌شود تا او احساس خوبی درباره خود نداشته باشد و چنین تصویری در ذهن او حک شود که به غیر رفتارهای منفی، چیز دیگری از من صادر نمی‌شود و والدینم هم، نقش دیگری به غیر از انتقاد در برابر رفتار من ندارند؛ علاوه بر این واکنش والدین درباره رفتارهای منفی کودک، می‌تواند نوعی تقویت برای رفتار کودک باشد و به جای این‌که موجب کاهش رفتار منفی در کودک شود، رفتار منفی را در کودک افزایش دهد؛ بنابراین رفتار منطقی این است که در مقابل بسیاری از رفتارهای منفی کودک واکنش نشان ندهیم و تا آن‌جا که امکان دارد، از رفتارهای منفی او چشم‌پوشی کنیم.

در روایات، نادیده گرفتن لغزش‌های دیگران با اصطلاح تغافل بیان شده است. تغافل مصدر باب تفاعل است؛ به معنای خود را به غفلت زدن، خویشتن را غافل وانمود کردن و چشم‌پوشی کردن (طحری، ۱۳۸۱، ص ۳۵). با توجه به این‌که ماده غفلت به باب تفاعل برده شده است، اصل در این باب آن است که یا رابطه و عمل کردی در میان دو کس در جریان باشد و یا به معنای اظهار چیزی باشد که آن چیز حاصل نباشد؛ از این رو تغافل به معنای چشم‌پوشی و خود را غافل وانمود کردن و نیز اظهار بی‌اطلاعی درباره کار دیگری خواهد بود. (همان).

عدم تغافل و وجود دقت و توجه زیاد به اموری که در اطراف فرد می‌گذرد، او را دچار تنیدگی و بهم‌ریختگی روانی می‌کند و سلامت روان وی را به خطر می‌اندازد، بنابراین لازمه یک زندگی سالم، وجود تغافل و چشم‌پوشی در فرد است و کسانی که تغافل ندارند، عملاً نمی‌توانند رابطه توأم با آرامش با دیگران داشته باشند.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَغَاوَلْ وَ لَا يَبْغِضْ عَنِ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَعَصَّتْ عَيْشُهُ؛ هر کس تغافل نکند و از کارهای زیادی که در دور و بر اوست چشم‌نپوشد، زندگی خود را خراب کرده و آن را بهم ریخته است (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۵۱).

علاوه بر این، تغافل در بالا رفتن منزلت و احترام والدین تأثیر زیادی دارد و هرچه والدین از خطاهای فرزند خود چشم‌پوشی کنند، احترام و منزلت آنان بیشتر می‌شود. بر این اساس، تغافل عامل و علت به وجود آورنده عظمت و منزلت والدین است. در ضمن، تغافل زمینه اثرگذاری والدین را برای فرزند آسان می‌کند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا تَدَاوُوا النَّاسَ وَ زَنَا بِوَزْنٍ وَ عَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَاوُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ» با مردم با

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

دقت شدید (مو را از ماست کشیدن) تعامل نکنید و با تغافل درباره کارهای جزئی قدر و منزلت خود را بالا برید (ابن شعبه، ۱۳۷۸، ص ۴۳). با توجه به احادیثی که ذکر شد و استدلال‌هایی که ارائه گردید و با کنار هم گذاشتن روابط این احادیث، می‌توان به این نتیجه رسید که تغافل از رفتارهای دیگران، به‌ویژه کودک از روش‌هایی است که در ارتباط با کودک و برخورد با رفتارهای ناهنجار او، باید استفاده کرد. بدین معنا که هر وقت خطایی از کودک سرزد، نباید با وی برخورد جدی کرد و حتی در برخی موارد، اصلاً نباید درباره رفتار کودک واکنش منفی نشان داد و باید به نحوی عمل کرد، مثل این‌که والد متوجه رفتار کودک نشده است (مهکام، پایان‌نامه، ۱۳۸۹، ص ۷۲).

والدین نباید به تمام رفتارهای منفی کودک واکنش نشان دهند و پی‌درپی به او تذکر دهند؛ زیرا چنین رفتاری تأثیرات منفی زیادی در کودک خواهد داشت و موجبات عصبی و کلافه شدن کودک و والد و به خطر افتادن آرامش هر دو را به دنبال خواهد داشت. بدیهی است والدین برای این‌که بتوانند نقش والدگری خود را به‌خوبی ایفا کنند، نیاز به آرامش دارند و از سوی دیگر، کودک نیز برای این‌که به‌خوبی بتواند در مسیر رشد و تعالی قدم گذارد، نیاز به آرامش دارد؛ چراکه یکی از نیازهای اساسی انسان در زندگی، اعم از زندگی فردی و جمعی برخورداری از آسایش و آرامش است و تا زمانی‌که آرامش به‌معنای واقعی در زندگی والدین و فرزند محقق نشده است، فرآیند فرزندپروری به‌صورت بهینه شکل نمی‌گیرد.

علاوه بر این انسان سعی می‌کند تاجایی‌که ممکن است از زندگی و روابط خود با دیگران، به‌ویژه اعضای خانواده خود لذت ببرد؛ از این رو برای دستیابی به ارتباطات سالم و بهبود روابط خود با اعضای خانواده، باید به عنصر تغافل توجه داشته باشد و با استفاده از آن، به سلامت تن و جان خویش کمک کند؛ زیرا انسان چنانچه با شنیدن سخنان یا مشاهده رفتارهای نادرست از سوی فرزند، واکنش نشان دهد، ضمن این‌که ارتباط والدگری خود با فرزندش را مختل کرده، فشار روانی زیادی را متحمل می‌شود؛ از این رو باید برای حفظ آرامش و آسایش روانی و حفظ نشاط خود و فرزندش، برخی از رفتارهای ناشایست او را نادیده بگیرد و چشم‌پوشی کند؛ بنابراین والدین برای این‌که بتوانند نقش والدگری خود را به‌خوبی ایفا کنند، نیازمند آرامش روانی هستند. برای تحقق

پیغ

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

این هدف، والدین باید از مداخله بسیار در رفتارهای فرزندان پرهیز کنند و لغزش‌های ناچیز آنان را نادیده بگیرند و به سادگی آرامش خود را به خطر نیندازند.

نتیجه‌گیری

تحلیل متن مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان درباره سبک تربیتی آنان، موجب شکل‌گیری عنوان شد که برخی از این عناوین، با چهار مؤلفه رفتاری سبک تربیتی اسلامی ارتباط داشت یا این‌که به صورت غیرمستقیم با آن مرتبط بود:

عدم توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی کودک

غالب شرکت‌کنندگان در مصاحبه، آشنایی چندانی با ویژگی روان‌شناختی کودک در دوره‌های رشدی نداشتند و همین امر موجب می‌شد که در برخی از رفتارهای خود، دنیای درونی کودک را در نظر نگیرند و در زمینه تربیت کودک دچار خطا شوند. برخی از والدین در برابر ابراز اراده در دوسالگی، به شدت مقاومت نشان داده و تلاش می‌کردند، رفتارهای کودک را در این سن، کنترل کنند یا این‌که به جای پذیرش رفتارهای کودک و تولیدات او، اقدام به سرزنش نمایند.

عدم اختصاص وقت به کودک

غالب شرکت‌کنندگان وقت چندانی به مقوله والدگری اختصاص نمی‌دادند و بیشتر فرصت والدین، در زمینه فراهم کردن نیازهای مادی و جسمانی کودک صرف می‌شد. علاوه بر این بیشتر انرژی این دسته از والدین، صرف نقش‌های دیگر آنان می‌شد و کمتر وقت و فرصت برای والدگری پیدا می‌کردند.

در بین شرکت‌کنندگان، تنها دو نفر به نیازهای روانی کودک خود علاقه نشان می‌دادند و بخشی از وقت خود را در ارتباط با فرزند خود صرف می‌کردند.

بی‌رغبتی به والدگری

غالب والدین (به‌ویژه مادران) امر فرزندپروری را فطری می‌دانستند که نیازی به آموزش

ندارد. به علاوه این والدین، علاقه کمی به کسب اطلاعات و به‌روزرسانی آن در زمینه والدگری داشتند.

کمال‌گرایی و عدم تطابق خواسته‌ها با توانایی کودک

تعدادی از والدین چنین تصور می‌کردند که کودک باید تنها و تنها در راستای اهدافی که آنان برای او برنامه‌ریزی می‌کنند و مشاغلی که آنان در ذهن دارند، حرکت کند و زمانی که با این سؤال مواجه می‌شدند، شاید سرنوشت شغل دیگری به غیر آنچه تو در ذهن داری، برای فرزندت رقم زند، با جدیت تمام پاسخ می‌دادند، فرزند من باید پزشک شود و من اجازه نخواهم داد شغل دیگری را انتخاب کند. در ضمن این دسته از والدین، توقعات بی‌حد و حصری از کودکان خود داشتند.

عدم استفاده از تغافل

در طول مصاحبه، چند مورد فرضی مطرح شد تا واکنش والدین درباره خطاهای کودک سنجیده شود؛ مثلاً گفتیم که فرزند تو برای اولین بار حرف زشتی را به کار می‌برد، واکنش تو به این موضوع چیست؟ اکثر والدین در چنین مواردی، تلاش می‌کردند تا به‌صورت کلامی به فرزند تذکر دهند، چنین رفتاری اشتباه است و در واقع، از اصل تغافل استفاده نمی‌کردند. تنها سه نفر از والدین در برخی از موارد، از رفتار کودک خود چشم‌پوشی می‌کردند.

پاسخ‌دهی به نیازهای کودک

والدین در زمینه پاسخ‌دهی به نیازهای کودک، بیشتر به نیازهای جسمانی او توجه داشتند و کمتر به نیازهای روانی توجه می‌کردند و حتی در برخی موارد، نیازهای کودک را نادیده می‌گرفتند؛ برای نمونه بازی را نیاز اصلی دوران کودکی قلمداد نمی‌کردند.

با توجه به موارد بالا، باید آموزش خانواده در زمینه فرزندپروری از طریق بسته آموزشی پیش‌گیرانه به‌صورت جدی در کشور پی‌گیری شود و خانواده به‌صورت جدی در این زمینه آموزش ببینند.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

فهرست منابع

الف) کتب

۱. آمدی، عبدالواحد، *تصنیف غررالحکم و دررالکم*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه پرویز اتابکی، قم: دارالحديث، ۱۳۷۸.
۳. احدی، حسن و بنی جمالی شکوه السادات، *روان شناسی رشد مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک*، تهران: چاپ و نشر بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۳.
۴. جست فیس و گریگوری جی فیست، *نظریه های شخصیت*، مترجم یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان، ۱۳۸۵.
۵. حاجی ده آبادی، محمدعلی، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
۶. حرعاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۷ق.
۷. حسینی زاده، سیدعلی، *تربیت فرزند*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۸. داودی، محمد، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران: مؤسسه ذکر، تابستان ۱۳۷۶.
۱۰. شعاری نژاد، علی اکبر، *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران: مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۱۱. صانعی، مهدی، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، چاپ اول، مشهد: سناباد، ۱۳۷۸.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۱۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم: دارالحدیث، چاپ دوازدهم، ۱۴۲۹ق،
۱۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ بیستم، ۱۴۲۹ق.
۱۴. مظاهری، محمدعلی، پسندیده، عباس، صادقی، منصوره السادات، *مثلث ایمان*، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹.
۱۵. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت، چاپ سوم، ۱۴۰۸ق.
- ب) پایان‌نامه‌ها
۱۶. مهکام، رضا، *تشخیص اختلال‌های برونی‌سازی شده در پسران دبستانی استان قم و مداخله براساس برنامه اسلامی - روان‌شناختی در سطح والدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام
۱۷. مهدوی نیک، حسین، *الگوی فرزندپروری براساس آموزه‌های اسلامی و تبیین روان‌شناختی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام
۱۸. ساطوریان، سید عباس، *مقایسه ابعاد والدگری: رابطه والد کودک و مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام
۱۹. بهرام طجری، علی، *چشم‌اندازی بر جایگاه و نقش تغافل در فرآیند تربیت بانگ‌رشی اسلامی*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۱.

ج) مجلات

۲۰. فلسفی، فاطمه، *تغذیه مادران در دوران بارداری*، پیوند شماره ۱۸۲، ۱۳۷۳.

پی

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵